

تئوری انتقادی^۱ در حسابداری براساس دیدگاه جرمی بنتهام^۲

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: اردیبهشت ۱۳۹۹

مصطفی قاسمی^۱، آمنه رئیس زاده^۲

^۱ استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران

نویسنده مسئول:

آمنه رئیس زاده

چکیده

تئوری انتقادی جنبشی فکری- فلسفی است که به دنبال نقد جامعه و فرهنگ در سر تا سر علوم اجتماعی و انسانی می‌پردازد. که دارای دو معنای کاملاً مختلف با ریشه‌های متفاوت است. یکی ریشه در جامعه‌شناسی و دیگری ریشه در نقد ادبی دارد؛ که در بخش جامعه‌شناسی تئوری غالب در مکتب فرانکفورت که نگاهی انتقاد آمیز به استفاده ابزاری از علم و فلسفه دارد و پیشرفت های علمی را وسیله ای برای رهایی انسان می‌داند. در بخش نقد ادبی دیدگاهی به آینده پژوهی و آینده نگری دارد و می‌کوشد با تلفیق دو جریان فکری اثبات گرا و تعبیری؛ با گذر از این دو گانگی در ساختار، اداری گسترده در مسیر مشارکت کنشگران در تکامل اجتماعی پدیدار شود. نظریه انتقادی تحت تاثیر مفاهیم نظریه پسا ساختارگرایانه و پسامدرن است.

پژوهش پیش رو به بررسی مفهوم نظریه انتقادی پرداخته و بخصوص تاثیر و تاثر آن را در حسابداری در قالب یک پژوهش کتابخانه ای می‌پردازد. این پژوهش که بر اساس ساختار کتابخانه ای استوار می‌باشد بر پایه خوانش ما از نوشته های موجود در مورد حسابداری و نظرات دیگر محققان در مورد نوشته های فیلسوف و طرفدار نهضت اصلاح گری جرمی بنتهام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) می‌باشد. بنتهام بر این باور بود که شفافیت حسابداری باعث ارتقای پیشرفت اجتماعی و رفاه می‌شود، موردی است که ارزش مطالعه دارد، و با معطوف کردن توجهش به نظارت بر امور اجتماعی، باعث ارتقای احتمال ذهنیت باز و شفافیت می‌شود؛ شفافیت مهمترین اصل نظارت است. در اینجا با نگاهی منتقدانه به موضوع مورد پژوهش نگاه شده است.

کلمات کلیدی: تئوری انتقادی، مکتب فرانکفورت، آینده پژوهی، حسابداری انتقادی.

1- Critical Theory

2- Jeremy Bentham

مقدمه

نمی‌توان از «سود» و «مطلوبیت» سخن گفت و نام «جرمی بنتهام» را بر زبان نیاورد. او اعتقاد داشت هر عملی که انجام می‌پذیرد باید در آن سود و فایده را جست و حال آنکه معنای سود و فایده را در مطلوبیت (لذت) می‌دید. هر آنچه که مطلوبیت بخش باشد سودمند است. این متفکر انگلیسی قرن هجده و نوزده اگرچه در تفکر، عقلانی مشرب بود، اما برخلاف فیلسوفان هموطن خود که همواره بر مدار محافظه‌کاری و اعتدال حرکت می‌کردند، رفتاری انقلابی داشت. این رفتار اما برآمده از نگاه و اندیشه متفاوت وی نسبت به متفکران انگلیسی نیز بود.

متفکران انگلیسی، محافظه‌کار و اهل مکتب تجربی‌بودند، از آن روی که معتقد به سیر تکاملی طبیعی و بر این اندیشه که فهم و توانایی انسان اگر چه می‌تواند یاری‌دهنده پیشرفت در این سیر تکاملی باشد اما نمی‌تواند تغییراتی اساسی را به وجود آورد. اما بنتهام بی‌اعتقاد به سیر منظم تکامل طبیعی، اعتقاد به نامنظم بودن این مسیر تکاملی داشت و از همین روی هم بود که می‌گفت «اکنون» ادامه «گذشته» نیست و می‌توان قطع رابطه کرد با آنچه پیشتر روی داده و سپس جهان را بر نقشه‌ای دیگر سازمان داد. بنتهام بنابر چنین اندیشه‌هایی، خود را به متفکران فرانسوی نزدیک می‌دید، اگرچه اجزای زندگی او کماکان با روحیات یک متفکر انگلیسی همخوانی داشت.

موضوعات مورد علاقه او اگر چه متنوع و متکثر بود، از اقتصاد و الهیات تا حقوق و سیاست و از روانشناسی تا اخلاق، اما موضوع اصلی پژوهش او، حقوق بود. به همین جهت در بحث و سخن از حقوق و قانونگذاری بنتهام نظریه معروف خود، "اصل سودمندی" را مطرح می‌کند. او معتقد است که از میان امکانات مختلفی که در هر مورد در برابر ما وجود دارد، باید آن امکان را برگزینیم که بیشترین سعادت یا مطلوبیت (لذت) را برای افراد بیشتری مهیا می‌سازد: «غایت و هدف یک قانونگذار باید سعادت مردم باشد، در امور قانونگذاری، اصل راهنما باید سودمندی همگان باشد. اما برای اینکه این اصل را با کارایی کامل اجرا کنیم، سه شرط باید رعایت شود. نخست آنکه، باید مفهوم مشخص و دقیقی برای واژه سودمندی قائل شود. دوم آنکه باید حاکمیت عالی و تقسیم‌ناپذیر این اصل را با نفی مطلق هر اصل دیگر، اعلام کرد و در اجرای این اصل نیز هیچ استثنایی را در هیچ مورد قائل نشد. سوم اینکه باید نوعی روش محاسبه یا «حساب اخلاقی» را کشف کرد که به وسیله آن بتوانیم به نتایجی یکسان برسیم.

در پژوهش پیش رو به تشریح دیدگاه نظری در مورد تحلیل تاریخی حسابداری پرداخته شده است. دیدگاه همان دیدگاه نظریه انتقادی تحت تاثیر مفاهیم نظریه پسا ساختارگرایانه و پسامدرن است. دغدغه اصلی در اینجا، بحث در مورد پروژه ای تحقیقاتی براساس این دیدگاه نظری است که برای بیش از دودهمه جامعه حسابداری درگیر آن بوده است این پژوهش به دنبال خوانش نوشته‌های موجود در مورد حسابداری توسط فیلسوف و طرفدار نهضت اصلاح گری جرمی بنتهام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) است.

در ساختار این پژوهش ابتدا، به ارائه شرح کوتاهی در مورد چارچوب نظری مدنظر. بعد به معرفی و ارائه توجیهی بر نوشته‌های بنتهام در مورد حسابداری پرداخته می‌شود. این پژوهش با یکسری اظهارنظر در اثبات مجدد رابطه بین نوشته‌های بنتهام در مورد حسابداری و پیگیری فلسفه عمل در دوره حاضر پرداخته شده است.

مبانی نظری

نظریه انتقادی تحت تاثیر مفاهیم نظریه پسا ساختارگرایانه و پسامدرن است. پیشرفت‌های حاصل در زمینه نظریه اجتماعی و علوم انسانی که برچسب‌های "پساساختارگرایی" و "پسامدرنیسم" گرفته‌اند و تاثیر زیادی در تحلیل امور اجتماعی بطور کلی دارند، بر حوزه تاریخ هم تاثیر زیادی داشته است (آتریچ و دیگران، ۱۹۸۷ یونگ، ۱۹۹۰؛ بست، ۱۹۹۵؛ بست و کلنر،^۱ ۱۹۹۷).

مثبت‌گراترین تاریخ دانان، با تمایلات باستان‌شناسانه و حقیقت‌گرایانه‌شان، مدت‌ها توسط جهت‌گیری معرفت‌شناسانه تفسیرگر و آن‌هایی که تاریخچه‌شان توسط دیدگاهی انتقادی شکل می‌گیرد به چالش کشیده شده‌اند. چنین به چالش کشیده شدنی توسط افراد تاثیرپذیر از دیدگاه‌های پسامدرن و پساساختارگرایانه اضافه و یا تصحیح شده‌اند. در نتیجه، تاریخ دانانی که گذشته را بصورت پیشرفتی خطی و سراسری به سمت حال در نظر می‌گیرند توسط آن‌هایی که چالش کشیده شده‌اند که این فرض را مورد سوال قرار می‌دهند. در این تاریخ جدید، ویژگی‌های خاص گذشته توجه بیشتری را به خود جلب می‌کنند. و تمایلات نابهنگام (بی مورد نسبت به تاریخ)^۲ و یا زمانسنجی^۳ (کاسینز^۴، ۱۹۸۷)

¹ -Attridge, Bennington and Young, 1987; Young, 1990; Best, 1995; Best and Kellner, 1997

² -anachronistic

در تحقیقات تاریخی بواسطه این دیدگاه به مشکل خورده اند که باید گذشته را جدی تر و در مقام تفاوت در نظر بگیرد. مطالعات تاریخچه انتقادی حسابداری سعی در کاربرد دیدگاه نظری انتقادی تر براساس پیشرفت های حاصل در نظریه اجتماعی و علوم انسانی که تا به حال مورد اشاره قرار گرفته اند هست. بطور اخص تحت تاثیر پسا-مارکسیسم قرار گرفته (لاکلو، ۱۹۹۰؛ لاکلو و موفه، ۱۹۸۷ و ۲۰۰۱)^۵ که خود آن ها هم تحت تاثیر پسا-ساختارگرایی و نظریه پسامدرن هست (با تغییر جایگاه نظری انتقادی گرامشی مدنظر لاکلو و موفه). بطور کلی می توان تاریخچه حسابداری انتقادی را بعنوان تاریخچه نظری انتقادی در نظر گرفت که توسط تعامل با نظریه پسا-ساختارگرایی، پسامدرن و پسامارکسیستی تعدیل می شوند (گالهور و هاسلام^۶، ۲۰۰۳). در این ارتباط، مسیر درک دیدگاه های پسا-ساختارگراییانه و پسامدرن نه بعنوان نفی بدبینانه عمل انتقادی بلکه بعنوان راه ارائه احتمالات بیشتر در جهت بسط دادن و ژرفا دادن به عمل انتقادی (و عملگرا تر) در همراستایی با لاکلو و موفه (۱۹۸۷ و ۲۰۰۱) و لاکلو (۱۹۹۰ و ۱۹۹۶) پیش می رود. این احتمالات شامل بازتفسیر ویژگی های خاص گذشته برای کسب یکسری دیدگاه ها در مورد حال هستند: از جمله بازتفسیر اقدامات و متون مدرنی که بواسطه دیدگاه های جدید به مشکل می خوردند (رادین و میشلمن، ۱۹۹۱؛ پیترس، ۱۹۹۲؛ کرامپ، ۱۹۹۵؛ گالهور و هاسلام، ۲۰۰۳؛ پراشار، ۲۰۰۹)^۷.

رفتن ورای این دیدگاه که گذشته یک نسخه ساده نابالغ و به خوبی شکل نگرفته از حال است و یا این دیدگاه که حال نشان دهنده پیشرفت در گذشته است، در عمل آنچنان ساده نیست. این برخلاف آن چیزی است که افسانه ای عمیق و روش قطعی دیدن در نظر گرفته می شود (آتریچ و دیگران، ۱۹۸۷؛ یونگ، ۱۹۹۰). مجزا کردن حال (و مکان فرهنگی فعلی ما) و تلاش برای رفتن ورای درک ها و فهم های فعلی (از جمله فهم ها و ادراک های بومی) در تعریفی مطلق میسر نیست. حفظ بی پردگی و ذهن باز نسبت به آنچه در گذشته یافت می شود ممکن است دشوار باشد وقتی که نظریه سازی کلی و یا نظریه سازی قوی از قبل بکار بسته می شود (به طور مثال، نظریه سازی انتقادی که نشان دهنده منافع خاصی است). این ممکن است باعث محدود شدن راه های دیدن حداقل از نظر جنبه ها و یا ابعاد خاص شود. دغدغه ای باید در جهت بیرون انداختن و مکان یابی چیزهایی وجود داشته باشد که امروزه توسط چیزی پوشانده شده اند که بصورت استعاری لایه های رسوبی نامیده می شوند. با این حال، داشتن و بهبود آگاهی نسبت به این مسائل ممکن است باعث ارتقای حساسیت و ذهن باز در جهت پیروی از دیدگاه نظری انتقادی می شود که توسط تفکر پسا-ساختارگراییانه، پسامدرن و پسامارکسیستی تصحیح و تعدیل می شوند. سعی در غلبه و یا مقابله با مشکلات اقدامی ارزشمند است. این باعث ارتقای فرصت های موجود برای کسب یکسری دیدگاه ها از تاریخ (ورای دیدگاه های کلی تر در مورد تاریخ مانند کمک به درک بهتر حال) می شود. در این زمینه، حسابداری عملیاتی شده در پیش زمینه های گذشته ممکن است باعث ارائه و پیشنهاد راه هایی برای بهبود حال شود. نسخه های جدید حسابداری و عملکرد آن ممکن است در حال حاضر درک شود. درک مثال های گذشته حسابداری ممکن است باعث مشکلاتی در جنبه های حسابداری در حال حاضر شود. ادراک تاریخی ممکن است باعث ارتقای درک موجود از جنبه های آزاد کننده و سرکوب کننده حسابداری و احتمالات آن شود (گالهور و هاسلام، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳).

چارچوب های فکر انتقادی که بر تاریخ انتقادی اعمال می شود و سه بعد را در بر می گیرد: دغدغه برای یادگیری چیزهای مختلف در عمل، دغدغه برای متصور شدن جهانی بهتر و دغدغه برای تعیین شیوه رسیدن به مکانی بهتر (بن حبیب، ۱۹۸۶؛ هلد و مک گرو، ۲۰۰۰؛ گالهور و هاسلام، ۲۰۰۸)^۸. دیدگاه نظری نشانگر این ابعاد، از جمله تحقیقات تاریخی است. ولی در جهت تلاش برای یافتن ابعاد مشکل آفرین در گذشته و یا دیدگاه هایی از نظر ظرفیت های بالقوه مثبت گذشته در حال حاضر، دغدغه اصلی دوری از تمایلات موجود به سمت تفکر متعصبانه است. دغدغه داشتن ذهنیتی باز، تلاش برای ایجاد و تصحیح بحث های نظری و درک گذشته بعنوان تفاوت و ویژگی های خاص آن است. همین دغدغه توسط لافلین^۹ (۱۹۹۵) بیان می شود. یک دیدگاه تاریخی نظری و انتقاد، در قالب دغدغه اش برای درک چیزهای مختلف در گذشته، به دنبال درک زمینه موجود در قالب پروژه ای که در قالب نوشته های بنتهام که مورد بحث

³-chronocentric

⁴-Cousins

⁵-Laclau, 1990; Laclau and Mouffe, 1987, 2001

⁶-Gallhofer and Haslam

⁷-Radin and Michelman, 1991; Pieterse, 1992; Crump, 1995; Gallhofer and Haslam, 2003; Parashar, 2008

⁸-Benhabib, 1986; Held and McGrew, 2000; Gallhofer and Haslam, 2008

⁹-Laughlin

قرار می‌گیرد و اینکار را از طریق ترکیبی از تفسیر مطالب اصیل و خوانش انتقادی ادبیات ثانویه انجام می‌دهد (گالیهوفر و هاسلام، ۲۰۰۳). به طور حتم در تلاش برای درک گذشته، یک دیدگاه تکرارپذیر یا دوار برای تصحیح استدلال نظری باید به کار بسته می‌شود.

حسابداری جرمی بنتهام

بنتهام خیلی جلوتر از زمانی خود بود طوری که ساموئل رامیلی^{۱۰} توصیه کرد که وی چندین مورد از آثارش را منتشر نکند چون که اطمینان داشت که چاپ کردن آن‌ها منجر به دستگیری و زندانی شدن بنتهام می‌شود. بسیاری از آن‌ها که ارائه آنها به جهان را بی‌خطر نمی‌داند در بایگانی‌ها باقی ماند (باورینگ^{۱۱}، ۱۸۷۷: ۳۳۹).

همانطور که آن لوفت^{۱۲} ادعا نمود، آنتونی هاپوود^{۱۳} علاقه زیادی به تبلیغ و اشاعه مطالعه نوشته‌های جرمی بنتهام در مورد حسابداری و پدیده‌های مرتبط با آن داشت. هاپوود از مطالعات توصیفی محدودتر در مورد برخی از متون نوشته شده توسط بنتهام آگاه بود که بر حسابداری تمرکز کرده بودند. علاقه هاپوود به نوشته‌های بنتهام ناشی از علاقه اش به تحلیل اجتماعی و نظریه پردازی‌های میشل فوکو^{۱۴} در قرن بیستم بود. نظر فوکو از "ساختار سراسر بین"^{۱۵} باعث شکل گرفتن پانوپتیکان^{۱۶} توسط بنتهام بعنوان استعاره‌ای از جامعه مدرن شد. این تشریح همخوانی خوبی با شاخه‌ای از انتقاد اجتماعی در افکار بنتهام دارد که در نتیجه آن، این تشریح به‌مراه تاثیر قابل توجه فوکو روی نظریه اجتماعی پذیرفته شده است که در واقع به تغییر نظریه اجتماعی در جهت‌گیری که "پسا ساختارگرایانه" و "پسامدرن" شد. هاپوود باعث شد که لوفت با متنی نوشته باهمولر^{۱۷} (۱۹۸۱) آشنا شود، متنی که تحت تاثیر پیشرفت‌های نظریه اجتماعی است و راهی متفاوت و رای افکار گلدبرگ، ۱۹۵۷ و هیوم، ۱۹۷۰ ارائه کرد که در قالب آن بنتهام حسابداری را ورای آن چه سنت‌های امروزی شده اند در نظر گرفت.

بنتهام شخصیتی بحث برانگیز است البته نه بخاطر مداخله فوکو که در بالا اشاره شد. از جنبه منفی، وی بعنوان طرفدار فایده‌گرایی متربالیستی محدود ارائه شده توسط ویلیامز^{۱۸} (۱۹۸۷) و یکی از مبلغان علائق و منافع بورژوا در نظر گرفته شده است (ماک^{۱۹}، ۱۹۶۲). از نظر فوکو، پانوپتیکان مدنظر بنتهام نشان دهنده حالتی از کنترل انضباط بخش است که در بهترین حالت مبهم است و ابعاد مشکل آفرین آن مورد تاکید قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، بنتهام بعنوان یک ترقی خواه رادیکال در نظر گرفته می‌شود که اثرش به دنبال آزادی سرکوب شدگان است. در اینجا باید بر این نکته تاکید شود که هابرماس، بنتهام را در چارچوبی مثبت همچون طرفدار ایجاد فضایی عمومی با ظرفیت بالقوه اجتماعی رادیکال خاص خودش در نظر می‌گیرد (هابرماس، ۱۹۹۲؛ کالهون، ۱۹۹۲؛ برونر، ۱۹۹۴ و بست، ۱۹۹۵). راسل^{۲۰} (۱۹۶۲) بنتهام را بعنوان یک ترقی خواه و یک عمل‌گرا در یکسری از جنبه‌ها در نظر می‌گیرد. تفاسیر موجود از بنتهام تغییر کرده است چرا که وی را از منظرهای نظری متفاوتی در نظر گرفته‌اند و نیز بیشتر نوشته‌های وی، که تا چند مدت قبل در آرشیو کالج لندن بدون انتشار یافتن نگهداری می‌شد، نهایتاً منتشر شدند. دیدگاه‌های مختلف در مورد نوشته‌های بنتهام و تفسیرهای متنوع از آنها در ماک (۱۹۶۲)، راسل (۱۹۶۲)، لتوین (۱۹۶۵)، هیملفارب (۱۹۶۸)، فوکو (۱۹۷۷) الف و ب، باهمولر (۱۹۸۱)، هارت (۱۹۸۲)، روسن (۱۹۸۲)، هریسون (۱۹۸۳)، بورالوی (۱۹۸۴)، لانگ (۱۹۸۷)، پوستیما (۱۹۸۸)، آکینکومی و مورای (۱۹۹۷)، ویلیامز (۱۹۸۷)، دینویدی (۱۹۸۹)، توینینگ (۱۹۸۹)، پیتکین (۱۹۹۰)، لایونز (۱۹۹۱)، پارکه (۱۹۹۳)، سیمپل (۱۹۹۳)، کریمینز (۱۹۹۴ و ۱۹۹۶)، بلیک (۱۹۹۷)، بوین (۲۰۰۰) و زیزاک (۲۰۰۱)^{۲۱} گنجانده شده‌اند.

¹⁰ -Samuel Romilly

¹¹ -Bowring

¹² -Anne Loft

¹³ -Anthony Hopwood

¹⁴ -Michel Foucault

¹⁵ -panoptisme

¹⁶ -Panopticon

¹⁷ - Bahmueller

¹⁸ - Williams

¹⁹ - Mack

²⁰ - Habermas, 1992; see also Calhoun, 1992; Bronner, 1994; Best, 1995

²¹ - Russell

²² - Mack (1962); Russell (1962); Letwin (1965); Himmelfarb (1968); Foucault (1977a,b); Bahmueller (1981); Hart (1982); Rosen (1982); Harrison (1983); Boralevi (1984); Long (1987); Postema (1988);

با توجه به اینکه بسیاری با بntهتام از طریق خوانش فوکو در چارچوبی منفی آشنا هستند (سیمپل^{۲۳}، ۱۹۹۳)، ممکن است غیر عادی به نظر برسد که دیدگاهی انتقادی به بررسی نوشته های بntهتام در مورد حسابداری با اهدافی از جمله اندیشه باز نسبت به درک ظرفیت آزاد بخش این نوشته ها اقدام بکند. فوکو در مورد پانوپتیسم و پانوپتیکیان بعنوان استعاره از جامعه مدرن فردا مطالبی نوشت. فوکو نقدی از متن های بntهتام ارائه نمی دهد ولی بر تشریح پانوپتیکیان تمرکز می کند تا جامعه انضباط بخش را شرح بدهد. در اینجا باید اضافه شود که خوانش دقیق فوکو، حتی نظم و مجازات، نشان دهنده درک دوسوگرایی است که مشخصه نظریه پاساساختارگرایانه و پسا مدرن است (کانولی^{۲۴}، ۱۹۸۸). تاکید موجود در شرح فوکو از پانوپتیسم در ارتباط با عکس حالت نظم دهنده کنترل است ولی این بخشی از تلاش موجود برای مواجه با چیزی است که وی افسانه ها و ساده سازی های مشکل آفرین در مورد تاریخ از جمله تاریخ انتقادی در نظر می گیرد. درک مشخصی از دوسوگرایی حتی در این زمینه و در شرح موجود در پانوپتیکیان وجود دارد. چنین تفسیری همخوان با خوانشی است که مشخصه های یک تاریخ باز و انتقادی را در نظر می گیرد و این تاریخ نشان دهنده پیشرفت ها در نظریه علوم اجتماعی و علوم انسانی است از جمله دغدغه در مورد آزاد منشی نسبت به گذشته و رای درک یک سویه.

دلایل دیگری وجود دارند که چرا تمرکز بر نوشته های بntهتام در مورد حسابداری قابل توجه است. بntهتام در مورد حسابداری قبل از حرفه ای گری رسمی در حوزه حسابداری مطالبی نوشت. حرفه ای گری در حسابداری بر گفتمان حسابداری تاثیر گذاشت و بررسی شیوه های بررسی حسابداری قبل از حرفه ای گری رسمی آن جالب توجه خواهد بود. اگرچه، در بین نویسندگان فعال در قبل از میانه قرن نوزدهم بntهتام تنها کسی نبود که در مورد شیوه کمک حسابداری به طبقه حاکم برای نظارت مدرن بهتر مطالبی نوشت و اگرچه وی تنها فیلسوف و یا محقق نبود که به حسابداری در ارتباط با ارتقای محیط اجتماعی توجه کرد جایگاه مهم حسابداری در افکار وی مشهود است. اهمیتی که بntهتام به حسابداری داد به ندرت در پیشینه تحقیقات موجود در مورد بntهتام منعکس می شود. وقتی که کامینگ^{۲۵} (۱۹۶۱) به استهزای برنامه آموزش کرسئوماتیک بntهتام اقدام کرد و بر این امر تاکید کرد که این برنامه به دفترداری می انجامد، معنا و مفهوم خاص "دفترداری" در آثار بntهتام را نادیده گرفت. پس زمینه ای که بntهتام در قالب آن مطلب می نوشت هم اهمیت دارد از نظر شکل گیری فرم های نوین نظارت که همچنان تاثیرگذار است.

دیدگاه های کلیدی

در راستای خواندن نوشته های بntهتام در مورد حسابداری گستره ای به دیدگاه های جالب برخورد خواهید کرد. از آنجا که خوانش نوشته های بntهتام براساس حسابداری بعنوان نفی و یا حسابداری بعنوان کنترل مشکل آفرین است، هرکسی قادر به شناسایی مطالبی در تحلیل های انتقادی مختلف نسبت به بntهتام است که بر جنبه منفی در بntهتام تاکید دارند. این تحلیل های انتقادی از نظر دیدگاه های بntهتام در مورد حسابداری و نظارت اهمیت دارند. این موارد در اثر لوفت (۱۹۸۸) مورد تاکید قرار گرفتند.

بntهتام به بررسی تنش هایی اقدام می کند که در هر پروژه ترقی خواه رادیکالی وجود دارند (بntهتام کاملا نسبت به این تنش ها آگاه است و هدفش حساسیت به خرج دادن نسبت به آن ها بود. این توسط لتوین^{۲۶} (۱۹۶۵) مورد اذعان قرار گرفته است اگر چه گاهها بntهتام آنها را بزرگنمایی می کند و اشاره به مشکلات فوری تری می کند. وی بدنبال آن است که مردم کنترل را در دست داشته باشند ولی می خواهد ابتدا آنها را هدایت بکند. در ارتباط با مداخله ها، وی ابتدا بی اعتمادی را ترویج می کند که ممکن است تاثیری مشکل آفرین بر رفتار داشته باشد. وی می خواهد به تفاوت های افراد احترام بگذارد ولی خواهان راهی به صرفه برای انجام آن است و در مورد اعمال اصول کلی اشتیاق از خود نشان می دهد. تاثیر قوی کنترل ممکن است الزاما ترقی خواه نباشد بلکه تاثیری متضاد داشته باشد (گالهور و هاسلام، ۱۹۹۴).

Akinkummi and Murray (1997); Williams (1987); Dinwiddy (1989); Twining (1989); Pitkin (1990); Lyons (1991); Parekh (1993); Semple (1993); Crimmins (1994, 1996); Blake (1997); Boyne (2000); and also Žižek (2001).

²³ -Semple

²⁴ -Connolly

²⁵ -Cumming

²⁶ -Letwin

نکته مهمتر در اینجا این است که بخوبی می توان دید که چگونه پروژه هایی که از اصول بنتهام پیروی می کنند در ابعاد مشکل آفرین آنها را نشان می دهند. بطور مثال، بنتهام انتشار عمومی را در خدمت دموکراسی رادیکال و گسترده می دانست و می خواست فعالیت های افراد نسبتاً قدرتمند را آشکار بکند. با این حال، در عمل ایده های بنتهام را می توان برای کنترل کارگران کارخانه (بطور مثال) به شیوه ای سرکوب کننده به کار برد (هارلی^{۲۷}، ۱۹۸۸). در حقیقت، همانطور که قبلاً اشاره شد، پروژه های خود بنتهام اگر در قالب منافع افراد تحت حکومت و سرکوب شده تشریح شوند (از جمله افراد فقیر و زندانی) نشان دهنده ابعادی مشکل آفرین هستند (گالهورف و هاسلام، ۲۰۰۳).

تصور می شود که کاربرد دیدگاه های خاصی در تحقیقات قبلی در مطالعه بنتهام (در قرن بیستم) باعث تاکید بر وجوه منفی در آثار بنتهام شده است که وی را عاشق کنترل می دانند. برخی مطالعات از این نظر مشکل آفرین هستند که تنها جنبه های منفی را می بینند و این شرحی یک سوپه است. مثلاً در ارتباط با اثر لتوین (۱۹۶۵) که اشاره به تولید "ابزارهای بهره کشی حداکثری" توسط بنتهام دارد که هیچ فضایی برای انسانیت باقی نگذاشته است. دغدغه در مطالعه بنتهام، تحت تاثیر حساسیت نظریه انتقادی نسبت به درک ماهیت پس زمینه گذشته که در آن بنتهام مطلب نوشته بوده است. آنچه مسلم است ورای دیدگاه های کرونوسنتریک (زمان محور)، دیدگاهی متوازن تر را به کار برد. به طور حتم دیدن ظرفیت بالقوه مثبت موجود در آثار و نوشته های بنتهام از جمله ویژگی های خاص آن را می دهد. هیچ کدام از نکاتی که تا به اینجا مطرح شده اند نشان نمی دهند که نباید در زمینه مداخله در جهت پیشرفت اجتماعی دغدغه نداشته باشد. دغدغه بنتهام مداخله کردن برای تبدیل جهان به مکانی بهتر بود. مانند این موضوع که "ذبحسابی و نظارت در خدمت بیشتریت، از جمله درک طول عمر ایده های حسابداری ترقی خواه" در ارتباط با دغدغه داشتن برای مداخله کردن و تبدیل جهان به مکانی بهتر، بنتهام حسابداری را اساس چنین پروژه ای می داند. از دیدگاه نظریه انتقادی، بررسی و سعی در درک اهمیت ایده هایی که بنتهام در این زمینه ارائه کرده است اهمیت دارد. تحلیل های یکسری پیشنهادات تجویزی را در بنتهام نشان داده است که تا حداقل در حال حاضر قابل بررسی شمرده می شوند. این پیشنهادات را می توان در نقل قول های موجود از متون بنتهام نشان داد.

بنتهام حسابداری و شفافیت را در جهت کمک به نظارت مناسب و رفاه بیشتر می دیدند (در این زمینه بنتهام از واژه "مدیریت" در متنی که در سال ۱۷۹۷ منتشر شد بهره برد). اطلاعات بهتر در اینجا بعنوان گرفتن تصمیمات بهتر و اعمال نظارت بهتر در نظر گرفته می شود. ذهنیت بازتر و شفافیت بیشتر باعث کنترل رفتار می شود تا همه در جهت رفاه قدم بردارند. در تلاش برای ارتقای ذهنیت باز و شفافیت، وی به انتشار عمومی ارجاع می کند (آشکار کردن همه چیز برای عموم) و آشکاربودن حسابرسی ها را بررسی می کند. مفهوم "آشکار بودن حسابداری" به صورت گسترده ای در این زمینه استفاده شد (گالهورف و هاسلام، ۱۹۹۵). آشکار بودن به معنای دفترداری بود چون که ثبت ها باید نگهداری می شد تا سیستم افشایی شکل بگیرد. عبارت "حسابداری"، "شفافیت" و "دفترداری" تبدیل به عبارات معادل هم در آثار بنتهام شدند. بازبودن یا دسترسی عمومی ایده ای افراطی در زمان بنتهام بود. در ابتدای قرن نوزدهم، حکومت بریتانیا بسیار دیکتاتورمنش و ضد دموکراسی بود (فوت، ۱۹۸۴). شفافیت حسابداری در گفتمان دولت بریتانیا مرتبط با انقلاب در نظر گرفته می شد (گولهورف و هاسلام، ۱۹۹۵). نقل قول زیر نشان دهنده چیز مهمی است که بنتهام در ارتباط با حسابداری در جهت نظارت می دید. "با راهنمایی و تحت کنترل سیستم دفترداری، مدیریت باید توسط معمولی ترین افراد و نه تواناترین افراد صورت بگیرد" (بنتهام، ۱۷۹۷: ۱۰۰-۱۰۱).

اصل "بررسی - محلی" بنتهام در سیستم نظارت وی که شامل شفافیت هم است نشان گر ذهنیتی عملگرا، آگاه از پس زمینه، محتاط و حساس است. وی اذعان دارد که افشای همه چیز مشکل آفرین است - و یا فضاهای خصوصی محرمانگی وجود دارند (گالهورف و هاسلام، ۱۹۹۳). در اینجا به عدم تمایلش به اعمال یکپارچی به صورت افراطی اشاره می شود در حقیقت انواع مختلف نظارت برای اهداف و پس زمینه های خاصی بهتر هستند (گالهورف و هاسلام، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۳). نقل قول زیر از بنتهام در مورد اصل "بررسی محلی"^{۲۸} است: "از نظر دفتر داری اصل بررسی محلی نباید باعث شود که اصل انسجام و عمومیت به صورت افراطی پیگیری شود" (بنتهام، ۱۹۷۹: ۵۰ و ۵۳).

اذعان وی به دو وظیفه اصلی یک سازمان خرد بود (اصلی که ورای "کارگاه صنعتی" اعمال می شد، گالهورف و هاسلام، ۱۹۹۳) و این نشان دهنده توصیه ای قوی و موکد بود که اکنون "مسئولیت اجتماعی شرکت" در عصر حاضر مثالی از آن می تواند باشد (گامبلینگ، ۱۹۷۴؛ زیزاک پروزان و ایوانس، ۱۹۹۷؛ آدامز و هارت، ۲۰۰۰؛ لمان، ۲۰۰۱؛ کوپر و

27 -Hartley

28 -local-consideration principle

دیگران، ۲۰۰۵)^{۲۹}. بntهام اشاره می کند که شفافیت در مورد موضوعاتی که ماهیت اخلاقی دارند به طور اخص برای اطمینان از این که مدیران "وظیفه شان نسبت به انسانیت" را ایفا می کنند به کار می رود. به این مفهوم، اهمیت بیشتری نسبت به "شفافیت نسبت به وظیفه فرد نسبت به اقتصاد" داده شده است. اگر به همپوشانی بین این وظایف اشاره شود، این به نظر خلاف جایگاه و وضعیت در حال حاضر است. بntهام به شرح دیدگاهش در قالب جملات زیر اقدام می کند: "وظیفه مدیر کارگاهی صنعتی دو شاخه دارد: وظیفه نسبت به افرادی که تحت مراقبت وی قرار دارند انسانیت و وظیفه نسبت به رئیس هایش (شرکت) که در چارچوب اقتصاد خلاصه می شود. شفافیت، موثرترین ابزار اعمال انگیزه های اخلاقی، در جهتی است که باعث تقویت اتحاد بین منافع و جنبه انسانی تعهد می شود (بntهام، ۱۷۹۷، ۵۱-۵۲). علاوه بر این، دغدغه بntهام در این مورد که شفافیت باید "چندین الزام" را رعایت بکند، چیزی که وی آنها را عموماً قابل اعمال می داند و نشان می دهد که بntهام به دنبال آن بود که شفافیت باید به نفع یکسری افراد صاحب رای باشد و این مشابه با دیدگاه دینفع بودن است که امروز به کار می رود (که اغلب در ارتباط با افشاهای مسئولیت اجتماعی شرکت است).

(دفترداری) بعنوان ابزاری اساسی برای محقق کردن چندین الزام به شمار می رود که جهت گیری شرکت باید نسبت به چند شخص مختلف و دینفع یعنی دینفعان، سهامداران، دولت و عامه مردم باید نشانگر آنها باشند (بntهام، ۱۹۷۹: ۹۹-۱۰۰).

بntهام همچنین خواهان شفافیت برای برقراری ارتباط بود و می خواست ورای تخصص و مهارت موجود برود. شفافیت باید براساس هدف آن شکل می گرفت. جفت مشاهدات زیر نشان دهنده آن هستند که بntهام را می توان دارای دیدگاهی انتقادی نسبت به حسابداری در نظر گرفت.

حسابداری شفاف، کامل، دقیق و قابل استفاده راحت در صورت بروز خطا مخفی نکردن آن بلکه نشان دادن آن و همخوانی با هدف عملی خاصی که برای نیل به آن هدف نیروی کار مشخصی به کار رفته است نشان دهنده مشخصات مطلوبی است که در سیستمی این چنینی مدنظر است (بntهام، ۱۸۱۶: ۶۱-۲).

شکل ایتالیایی حسابداری که مبتنی بر دفترداری دو مدخله است زبانی مشتمل بر داستان های مختلف است و توسط هیچ کسی به جز رده های بالاتر تاجران و منشی های آن ها درک شده اند. کاربرد حقیقی موضوعی است که ارزش بررسی بیشتر را دارد (بntهام، ۱۷۹۷: ۱۰۶).

این نقل قول ها نشان می دهند که افراط گرایی روز افزون بntهام در شیوه بررسی حسابداری توسط وی انعکاس پیدا می کند یعنی دیدگاه انتقادی وی که نشانه ای از پیشرفت اجتماعی اجتماعی است و دیدی کلی از رفاه را بدست می دهد که صرفاً محدود به دیدگاهی مادی گرایانه نیست. او این ایده ها را در ۲۰۰ سال قبل نوشت و این نشان دهنده ماندگاری آنهاست و کمی ارزش تاریخی به اهمیت آنها در حال حاضر می افزاید.

قدر مسلم تشریح شیوه ای که چنین دیدگاهی باعث شکل گرفتن دیدی انتقادی در حال حاضر می شود قابل توجه است. در اینجا این امر شرح داده می شود که چگونه اقدامات و فعالیت های ارتباطاتی باعث به جلو بردن یکسری منافع، هویت ها و پروژه ها می شود که ترقی خواه هستند و چگونه آن ها می توانند بخشی از منافع متفاوت باشند که باعث ارتقای رفاه می شوند. در واقع شفافیت حسابداری باعث ارتقای ذیحمای در جهت رفاه اجتماعی می شود. ابعاد مشکل آفرین تر و یا منفی تری که قبلاً مورد بحث قرار گرفتند را می توان در قالب خطاهایی بالقوه در نظر گرفت که نشان دهنده نیاز به دیدگاهی محتاطانه و عملگراست.

²⁹ -regard Gambling, 1974; Zadek, Pruzan and Evans, 1997; Adams and Harte, 2000; Lehman, 2001; Cooper, Taylor, Smith and Catchpole, 2005

تشریح حسابداری در قالب فعالیت های بntهتام برای طراحی حسابداری در جهت پیشرفت اجتماعی

نوشته های بntهتام در مورد حسابداری را قدمی در جهت تشریح گسترده تر حسابداری در نظر گرفت که امروز هم اهمیت دارد. این باعث به چالش کشیده شدن دیدگاه های مرسوم نسبت به حسابداری می شود که بطور اخص در این حرفه، گفتمان های عادی و حوزه دانشگاهی تاثیرگذار بوده اند. دیدگاه موجود در متون بntهتام تا حدودی توسط هاسکین و ماکوی^{۳۰} (۱۹۸۶) و اثر خود ما بازتاب پیدا کرده است. ذهنیت باز حفظ شده در فرایند تاریخ انتقادی مان به ما امکان کسب دیدگاه هایی کلیدی از بررسی متون گذشته را می دهد. در این جا، ما به آثار قبلی با اشاره به این نکته می افزاییم که نقش بntهتام در تشریح وضعیت حسابداری (گالهورف و دیگران، ۲۰۱۵) راهی برای خلاصه کردن نوشته هایش در مورد حسابداری را می دهد و می توان آن را بسط دادن و اضافه کردن به یادداشت های قبلی در نظر گرفت.

بntهتام به دفترداری و شفافیت در قالب اقدام گسترده نظارت اشاره می کند که گسترده وسیعی از کاربردها برای اهداف متنوع دارد: "در مکتب کریستوماتیک، اصل نظارت نشان داد که هدف باید پیگیری شود ولی به نسبت گستردگی حوزه مفروض، و میزان و گستردگی کاربرد آن شاهد تعدیل هایی هستیم. در قالب اعمال جامع ترین هنر مفید برای نظارت، یعنی دفتر داری، این میسر می شود" (بntهتام، ۱۸۱۶: ۶۲).

حسابداری محدود به "اقتصاد پولی" نیست بلکه همه اهداف مدیریت و یا نظارت را پوشش می دهد. "اقتصاد پولی، که معمولاً بعنوان تنها هدف از دفترداری در نظر گرفته می شود، تنها یکی از کاربرد هاست چرا که سیستم دفترداری چیزی بیشتر و یا کمتر از تاریخچه سیستم مدیریت در همه جزئیاتش نیست" (بntهتام، ۱۷۹۷: ۱۰۱؛ دانشگاه کالج لندن، بntهتام، آرشیوها: ۳۶۰).

حسابداری ابزاری در دموکراسی رادیکال است و نباید تنها منافع قدرتمندان و ثروتمندان را مدنظر قرار بدهد بلکه باید در خدمت سرکوب شدگان و فقرا هم باشد.

"دفتر داری یکی از هنرهایی بود که باید آن را فرا می گرفتیم. فریادهایی که فقرا با صدای بلند می کشند باعث تسریع پاسخ به درخواست هایشان باید بشود".

دفترداری تجاری و شفافیت حسابداری تجاری یکی از شاخه های حوزه گسترده تر دفترداری و شفافیت حسابداری است: "این فرایند یا عملیات تجاری، تحت نام دفترداری در واقع شاخه و یا کاربرد خاصی از هنری با گسترده ترین حوزه است یعنی دفترداری در مقیاس کلی تر آن" (بntهتام، ۱۸۱۶: ۶۱).

به طور کلی، حسابداری را باید براساس ابعاد پیشرفت اجتماعی به کار برد. این ایده ها بازتاب دهنده دیدگاه گالهورف و دیگران (۲۰۱۵) هستند که به شرح حسابداری براساس دیدگاه عملگرای جدید انتقادی و پسا مارکسیستی اقدام کردند. تصور بntهتام از شفافیت حسابداری همخوان با دغدغه موجود برای مداخله کردن و سعی در تبدیل کردن جهان به مکانی بهتر است. تحلیل نوشته های بntهتام نشان از احتیاط و دقت در مورد شیوه انجام این کار است. چیزهای زیادی هستند که ممکن است مشکل آفرین باشند و در نتیجه چیزهای زیادی ممکن است به مشکل بخورند. ولی دغدغه موجود برای یافتن راهی از بین نکات منفی و دغدغه موجود برای مداخله و تغییر اوضاع جزئی های اصلی این عمل انتقادی به شمار می روند. پیام بntهتام از صدها قبل نشان دهنده اهمیت حسابداری در این زمینه است.

نتیجه گیری

تصور بنتهام این بود که شفافیت حسابداری باعث ارتقای پیشرفت اجتماعی و رفاه می شود موردی است که ارزش مطالعه دارد، و با معطوف کردن توجهش به نظارت بر امور اجتماعی، بنتهام نشان می دهند که آشکار بودن برای عموم، ذهنیت باز و شفافیت در خدمت اصل ثانویه پانوپتیکان وی هستند. چون که منطق موجود برای طرح پانوپتیکان این است که باعث ارتقای احتمال ذهنیت باز و شفافیت می شود، بنتهام می توانست شفافیت را مهمترین اصل نظارت از دیدگاه خودش می نامید.

با بررسی و تحلیل دقیق نوشته های بنتهام در مورد شفافیت، استفاده از دیدگاهی انتقادی در مورد تاریخ از منظر تفکر پساساختارگرایانه و پسامدرن، ما توانستیم دیدگاه هایی کلی را در مورد ظرفیت بالقوه شفافیت در ایجاد فایده و سود اجتماعی بدست آمد. در عین حال، دیدگاه هایی در مورد مسائل مشکل آفرین شفافیت بصورت بالقوه ارائه شد. برخی از این دیدگاه ها منتج از نوشته های خود بنتهام هستند که بازتاب دهنده دیدگاهی انتقادی در مورد حسابداری هستند. نوشته های بنتهام نشانگر استمرار بسیاری از حسابداری های پیشنهادی است از جمله شکلی از حسابداری اجتماعی خرده سازمانی تحت عنوان و بهانه اخلاقی تر کردن اقدامات خرده سازمانی. در برخی زمینه ها، درک چنین استمراری در بهبود فعالیت ها در حوزه سیاست گذاری و گفتمان های عمومی مفید خواهد بود. این بحث را می توان مطرح کرد که بنتهام نقش زیادی در تدوین مجدد تعریف حسابداری داشت و این شامل چیزی است که وی آن را دفتر داری در کاربرد روزمره تر آن می داند (یعنی دفترداری تجاری). این نوع دفتر داری همخوان با تعهد بالای وی به مرتبط کردن گستره ای از فرم های شفافیت حسابداری به اهداف ترقی خواهانه در جهت بهبود رفاه است. در نتیجه، اثر گالهور و دیگران (۲۰۱۵) را میتوان تلاش تبدیل تعریف گسترده ولی کاربردی حسابداری به دیدگاه انتقادی عملگرا، جدید و پسامارکسیستی دانست.

شایان ذکر است این پژوهش به دنبال تبلیغ و اشاعه جایگاه بنتهام و برگشت به مدرنیسم نیست و نه باور دارد که بنتهام جایگاه بالایی در کاربرد نظریه برای عمل دارد. اما با خوانش نوشته های بنتهام از طریق دیدگاه های نظریه انتقادی می توان نگاهی منتقدانه به نقص های متون بنتهام هم داشت.

امروزه، این حوزه جهانی از کمبود نظارت دموکراتیک برای ارتقای رفاه اجتماعی رنج نمی برد و هر یک از دولت ها بر آنچه نمی توانند انجام بدهند تاکید دارند (مثلا صرف منابع برای حفظ و یا ارتقای سیستمی در حمایت از رفاه اجتماعی) و بر آنچه باید انجام بدهند هم تاکید می کنند (مثلا کاهش مالیات شرکت ها و کاهش مالیات بر جریان های درآمد مالی) و به این وسیله بر نیاز موجود برای ارتقا و یا حفظ رقابت پذیری تاکید می کنند و در مسابقه ای گرفتار می شوند که همخوان با حداقل استانداردهای جهانی هستند و دموکراسی ملی را به سخره می گیرند (هلد و مک گرو، ۲۰۰۰). مسابقه به سمت حداقل های استانداردهای جهانی که در حال حاضر به نفع افراد ثروتمند در جهان است ولی جهت گیری نامشخصی دارد چرا که بطور کلی تهدید کننده است و بطور کلی پاسخی ضعیف به مشکلات جهان به شمار می رود. خوانش نظریه انتقادی نشان دهنده حالتی است که بنتهام دو قرن پیش به آن اشاره کرد و نیاز به وجود زیرساخت جهانی بهتر از جمله شفافیت حسابداری برای رفاه جهانی بیشتر را مد نظر قرار داد در اینجا بنتهام از واژه "بین المللی" استفاده کرد و خودش را "شهروند جهان" می دانست. وی همچنین حساسیتش نسبت به مشکلات ایجاد کردن و عملیاتی کردن چنین زیرساختی را نشان داد. از دیدگاهی انتقادی، که الهام گرفته از بینش های پساساختارگرایانه و پسامدرن باشد، خواندن آثار بنتهام در مورد حسابداری باعث روشن شدن ابعاد مهمی می شود و نکاتی برای عملی کردن برای همین امروز فراهم می آورد.

منابع و مراجع

- 1- Adams, C. A. and G. Harte (2000). "Making discrimination visible: the potential of social accounting," *Accounting Forum*, 24(1): 56-79.
- 2- Agger, B. (1992). *The Discourse of Domination: From the Frankfurt School to Postmodernism*, Evanston, IL: Northwestern University Press.
- 3- Akinkummi, A. and K. Murray (1997). "Inadequacies in the Mental Health Act, 1983 in relation to mentally disordered remand prisoners," *Medicine, Science and the Law*, 37(1): 53-7.
- 4- Anonymous (1832). *An Address to the British Public by the Saint Simonian Missionaries*, London: Rolandi, Bossange, Barthes and Lowell, MA: Effingham and Wilson.
- 5- Attridge, D., G. Bennington and R. Young (1987) (eds). *Post-structuralism and the Question of History*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 6- Bahmuller, C. (1981). *The National Charity Company: Jeremy Bentham's Silent Revolution*, Berkeley, CA: University of California Press.
- 7- Barker, C. (2003). *Cultural Studies: Theory and Practice*, London: Sage Publications.
- 8- Beck, U. (2015). *The Reinvention of Politics: Rethinking Modernity and the Global Social Order*, Oxford: John Wiley and Sons.
- 9- Benhabib, S. (1986). *Critique, Norm and Utopia: A Study of the Foundations of Critical Theory*, New York: Columbia University Press.
- 10- Bentham, J. (1797). *Pauper Management Improved: Particularly by Means of an Application of the Panopticon Principle of Construction*, London (first published 1797 in Arthur Young's *Annals of Agriculture*, first published separately, 1812, London, from which the quotations are taken).
- 11- Bentham, J. (1816). *Chrestomathia*, London.
- 12- Best, S. (1995). *The Politics of Historical Vision: Marx, Foucault, Habermas*, New York: Guilford Press.
- 13- Best, S. and D. Kellner (1997). *The Postmodern Turn*, New York: Guilford Press.
- 14- Blake, K. (1997). "Bleak House, political economy, Victorian studies," *Victorian Literature and Culture*, 25(1): 1-21.
- 15- Boralevi, C. L. (1984). *Bentham and the Oppressed*, Berlin and New York: de Gruyter.
- 16- Bowring, J. (1877). *Autobiographical Recollections of Sir John Bowring with a brief memoir by Lewin B. Bowring*, London: Henry S. King.
- 17- Boyne, R. (2000). "Post-Panopticism," *Economy and Society*, 29(2): 285-307.
- 18- Breckman, W. (2013). *Adventures of the Symbolic: PostMarxism and Radical Democracy*, New York: Columbia University Press.
- 19- Bronner, S. E. (1994). *Of Critical Theory and Its Theorists*, Oxford: Blackwell.
- 20- Calhoun, C. (1992) (ed.). *Habermas and the Public Sphere*, Cambridge, MA: MIT Press.
- 21- Calhoun, C. (1995). *Critical Social Theory: Culture, History and the Challenge of Theory*, Oxford: Blackwell.
- 22- Caplan, J. (1989). "Postmodernism, poststructuralism and deconstruction: notes for historians," *Central European History*, 22 (3-4): 260-78.
- 23- Connolly, W. (1988). *Political Theory and Modernity*, Oxford: Blackwell.
- 24- Cooper, C., P. Taylor, N. Smith and L. Catchpole (2005). "A discussion of the political potential of social accounting," *Critical Perspectives on Accounting*, 16(7): 952-74.
- 25- Cousins, M. (1987). "The practice of historical investigation," in D. Attridge, G. Bennington and R. Young (eds): *Post-structuralism and the Question of History*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 26- Crimmins, J. E. (1994). "Bentham's political radicalism re-examined," *Journal of the History of Ideas*, 55(2): 259-81.

- 27- Crimmins, J. E. (1996). "Contending interpretations of Bentham's utilitarianism," *Canadian Journal of Political Science – Revue Canadienne de Science Politique*, 29(4): 751-77.
- 28- Critchley, S. and O. Marchart (2004). *Laclau: A Critical Reader*, London: Psychology Press.
- 29- Crump, S. (1995). "Towards action and power: post-enlightenment pragmatism?" *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 16(2): 203-17.
- 30- Cullen, M. J. (1975). *The Statistical Movement in Early Victorian Britain: The Foundation of Empirical Social Research*, Hassocks: Harvester Press.
- 31- Cumming, I. (1961). *Useful Learning: Bentham's Chrestomathia with Particular Reference to the Influence of James Mill on Bentham*, University of Auckland, Bulletin No. 56, Ed. Series No. 3.
- 32- Derrida, J. (1996). "Remarks on deconstruction and pragmatism," in C. Mouffe (ed.): *Deconstruction and Pragmatism*, London and New York: Routledge.
- 33- Dinwiddy, J. (1989). *Bentham*, Oxford: Oxford University Press.
- 34- Evans, E. J. (1983). *The Forging of the Modern State: Early Industrial Britain, 1783-1870*, 2e, London: Longman.
- 35- Foot, P. (1984). *Red Shelley*, London: Bookmarks.
- 36- Foucault, M. (1977a). "L'oeil de pouvoir, preface to Bentham, J. Le Panoptique," Paris: Belfond.
- 37- Foucault, M. (1977b). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*, translated by A. Sheridan, Harmondsworth, UK: Penguin Books.
- 38- Gallhofer, S. and J. Haslam (1991). "The aura of accounting in the context of a crisis: Germany and the First World War," *Accounting, Organizations and Society*, 16(5/6): 487-520.
- 39- Gallhofer, S. and J. Haslam (1993). "Approaching corporate accountability: fragments from the past," *Accounting and Business Research*, 23(s1): 32-30.
- 40- Gallhofer, S. and J. Haslam (1994a). "Accounting and the Bentham's: accounting as negation," *Accounting Business and Financial History*, 4(2): 293-73.
- 41- Gallhofer, S. and J. Haslam (1994b). "Accounting and the Bentham's: or, accounting's potentialities," *Accounting, Business and Financial History*, 4(3): 431-60.
- 42- Gallhofer, S. and J. Haslam (1995). "Accounting and modernity," *Advances in Public Interest Accounting*, 6: 203-32.
- 43- Gallhofer, S. and J. Haslam (1996). "Analysis of Bentham's chrestomathia: or, towards a critique of accounting education," *Critical Perspectives on Accounting*, 7(1/2): 13-31.
- 44- Gallhofer, S. and J. Haslam (2003). *Accounting and Emancipation: Some Critical Interventions*, London and New York: Routledge.
- 45- Gallhofer, S. and J. Haslam (2006). "Mobilising accounting in the radical media during the First World War and its aftermath: the Case of Forward in the context of red Clydeside," *Critical Perspectives on Accounting*, 17(2): 224-52.
- 46- Gallhofer, S. and J. Haslam (2008). "The possibilities of accounting in the global context: critical reflections on the internet as a new technology of communication," in M. Lada and A. Kozarkiewicz (eds) *Rachunkowosc: w otoczeniu nowych technologii*, Warsaw: Beck.
- 47- Gallhofer, S., J. Haslam and A. Yonekura (2015). "Accounting as differentiated universal for emancipatory praxis: accounting delineation and mobilization for emancipation(s) recognising democracy and difference," *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 28(5): 846-74.
- 48- Gambling, T. (1974). *Societal Accounting*, London: George Allen and Unwin.
- 49- Goldberg, L. (1957). "Jeremy Bentham: critic of accounting method," *Accounting Research*, 8: 218-45.
- 50- Grossberg, L. (1986). "History, politics and postmodernism: Stuart Hall and"

- cultural studies,” *Journal of Communication Inquiry*, 10(2): 61–77.
- 51- Habermas, J. (1992). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*, translated by T. Burger with the assistance of F. Lawrence, Cambridge, MA: MIT Press.
- 52- Harrison, R. (1983). *Bentham*, London: Routledge and Kegan Paul.
- 53- Hart, H. L. A. (1982). *Essays on Bentham’s Jurisprudence and Political Theory*, Oxford: Oxford University Press.
- 54- Hartley, D. (1998). “In search of structure: theory and practice in the management of education,” *Journal of Education Policy*, 13(1): 153–62.
- 55- Held, D. and A. McGrew (2000) (eds). *The Global Transformation Reader: An Introduction to the Globalization Debate*, Cambridge: Polity Press in association with Blackwell.
- 56- Himmelfarb, G. (1968). “The Haunted House of Jeremy Bentham,” in G. Himmelfarb (ed.): *Victorian Minds*, New York: Knopf.
- 57- Hoskin, K. and R. Macve (1986). “Accounting and the examination: a genealogy of disciplinary power,” *Accounting, Organizations and Society*, 11(2): 105–36.
- 58- Howarth, D., A. Norval and Y. Stravakis (2002) (eds). *Discourse Theory and Political Analysis*, Manchester: Manchester University Press.
- 59- Hume, L. (1970). “The development of industrial accounting: the Bentham’s contribution,” *Journal of Accounting Research*, 8(1): 21–33.
- 60- Kolb, D. (1986). *The Critique of Pure Modernity: Hegel, Heidegger and After*, Chicago IL: University of Chicago Press.
- 61- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Times*, London: Verso.
- 62- Laclau, E. (1996). *Emancipation(s)*, London: Verso.
- 63- Laclau, E. and C. Mouffe (1987). “Post-Marxism without apologies,” *New Left Review*, 166: 79–106.
- 64- Laclau, E. and C. Mouffe (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, 2e, London: Verso.
- 65- Landry, L. Y. (2000). *Marx and the Postmodern Debates: An Agenda for Critical Theory*, Santa Barbara, CA: Praeger Publishing.
- 66- Laughlin, R. C. (1995). “Empirical research in accounting: alternative approaches and a case for ‘middlerange’ thinking,” *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 8(1): 63–87.
- 67- Lechte, J. (2006). *Fifty Key Contemporary Thinkers: From Structuralism to Postmodernity*, London and New York: Routledge.
- 68- Lehman, G. (2001). “Reclaiming the public sphere: problems and prospects for corporate social and environmental accounting,” *Critical Perspectives on Accounting*, 12(6): 713–33.
- 69- Letwin, S. R. (1965). *The Pursuit of Certainty: David Hume, Jeremy Bentham, John Stuart Mill, Beatrice Webb*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 70- Liu, A. (2009). *Local Transcendence: Essays on Postmodern Historicism and the Database*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- 71- Loft, A. (1988). *Understanding Accounting in its Historical and Social Context: The Case of Cost Accounting in Britain, 1914-1925*, New York: Garland.
- 72- Long, D. (1987). “Bentham as revolutionary social scientist,” *Man Nature*, 6: 115–45.
- 73- Lyons, D. (1991). *In the Interest of the Governed: A Study of Bentham’s Principle of Utility and Law*, revised edition, New York: Oxford University Press.
- 74- Mack, M. P. (1962). *Jeremy Bentham: An Odyssey of Ideas, 1748-1792*, London: Heinemann
- Mouffe, C. (1993). *The Return of the Political*, London: Verso.
- 75- Parashar, A. (2008). “Re-conceptualizing regulation, responsibility and law,” *Macquarie Law Journal*, 8: 59–77.
- 76- Parekh, B. (1993) (ed.). *Jeremy Bentham: Critical Assessments*, London:

Routledge.

- 77- Patterson, T. (1989). "Post-structuralism, post-modernism: implications for historians," *Social History*, 14(1): 83-8.
- 78- Pieterse, J. N. (1992). "Emancipations, modern and postmodern," *Development and Change*, 23(3): 5-41.
- 79- Pitkin, H. F. (1990). "Slippery Bentham: some neglected cracks in the foundations of utilitarianism," *Political Theory*, 18(1): 104-31.
- 80- Polanyi, K. (1945). *Origins of Our Time: The Great Transformation*, London: Victor Gollancz.
- 81- Postema, G. J. (1988). "Bentham's equality-sensitive utilitarianism," *Utilitas*, 1(1): 41-61.
- 82- Radin, M. J. and F. Michelman (1991). "Pragmatist and poststructuralist critical legal practice," *University of Pennsylvania Law Review*, 139(4): 1019-38.
- 82- Rosen, F. (1982). "Jeremy Bentham: recent interpretations," *Political Studies*, 30(4): 575-81.
- 83- Russell, B. (1962). *History of Western Philosophy and its Connection with Political and Social Circumstances from the Earliest Times to the Present Day*, London: Allen and Unwin.
- 84- Schöttler, P. (1989). "Historians and discourse analysis," *History Workshop Journal*, 27(1): 37-65.
- 85- Semple, J. (1993). *Bentham's Prison: A Study of the Panopticon Penitentiary*, New York: Oxford.
- 86- Twining, W. (1989). *Reading Bentham*, London: British Academy.
- 87- Veron, J. (1994). "Who is afraid of the linguistic turn – the politics of social history and its discontents," *Social History*, 19(1): 81-97.
- 88- Williams, R. (1987). *Culture and Society: Coleridge to Orwell*, London: The Hogarth Press.
- 89- Young, R. (1990). *White Mythologies: Writing History and the West*, London and New York: Routledge.
- 90- Zadek, S., P. Pruzan and R. Evans (1997) (eds). *Building Corporate Accountability: Emerging Practices in Social and Ethical Accounting, Auditing and Reporting*, London: Earthscan Publications.
- 91- Žižek, S. (2001). *Did Somebody Say Totalitarianism? Five Interventions in the (Misuse) of a Notion*, London: Verso.